

صحيفة الحسين عليه السلام

[27] کسی مواظب حالشان باشد، نه سرپرستی از مردانشان آنان را همراهی کند ؟ مردم

از این سو و آن سو برای نظاره آنان فراهم شوند ؟ ! اما از کسی که سینه اش از بغض ما آکنده است جز این چه توقعی می توان داشت ؟ می گویی کاش پدرانم که در جنگ بدر کشته شدند اینجا بودند، و هنگام گفتن این جمله با چوب به دندان پسر پیغمبر می زنی ؟ ایدا به خیالت

نمی رسد که گناهی کرده ای و منکری زشت، مرتکب شده ای چرا نکنی ؟ تو با ریختن خون فرزندان پیغمبر و خانواده عبد المطلب که ستارگان زمین بودند دشمنی دو خاندان را تجدید کردی، شادی مکن، چه، بزودی در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد، آن وقت است که آرزو می کنی کاش کور و لال بودی و این روز را نمی دیدی، کاش نمی گفتی: پدرانم اگر در این مجلس حاضر بودند از خوشی در پوست نمی گنجیدند. خدایا خودت حق ما را بگیر و انتقام ما را از آنکه به ما ستم کرد، بستان. به خدا پوست خود را دریدی و گوشت خود را کندي. روزی که رسول خدا و خاندان او و پاره های تن او در سایه رحمت خدا آرمیده باشند، تو با خواری هرچه بیشتر پیش او خواهی ایستاد، آن روز روزی است که خدا وعده خود را انجام خواهد داد، این ستمديدگان را که هريك در گوشه ای به خون خود خفته اند، گرد هم خواهد آورد، او خود می گوید: مپنداريد آنان که در راه خدا کشته شده اند مرده اند، نه، آنان زنده اند و از نعمتهای پروردگار خود بهره مند می باشند. اما آن کس (معاویه) که تو را اینگونه بناحق بر گردن مسلمانان سوار
